

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال ششم، شماره (۲۳)، پاییز ۱۳۹۶ صفحه‌های ۹۳-۱۱۲

جایگاه جهان اسلام در سیاست خارجی دولت‌های پس از دوران دفاع مقدس (۱۳۶۸-۱۳۹۲)

سید محمد کاظم حجازی*
دانش آموخته دکترای تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا
حسن رحیمی روشن
استادیار دانشگاه بوعلی سینا
محمد جواد هراتی
. دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

انقلاب اسلامی با اهداف دینی و در یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان یعنی خاورمیانه به وقوع پیوست. برای دولت‌های برآمده از چنین تحولی، به نظر می‌رسد در پیش گرفتن یک رویکرد انقلابی و دینی در سیاست خارجی امری طبیعی بوده است. بر این اساس و با در نظر گرفتن شرایط انقلابی، حکومت برآمده از آن، قانون اساسی و سخنان رهبر انقلاب جهان اسلام به‌عنوان هدفی مهم در سیاست خارجی جایگاه مهمی داشته است. این امر تحت چند شاخص مهم منطقه‌گرایی، حقوق اتباع خارجی و تعامل سازنده و در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی انجام پذیرفته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-پیمایشی بوده است. جامعه آماری این پژوهش، متخصصان، وزرای خارجه پیشین و استادان دانشگاه در حوزه سیاست خارجی هستند. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون تحلیل واریانس؛ آزمون تعقیبی بونفرنی و آزمون تی استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از تفاوت معنادار دولت‌های پس از جنگ در شاخص تعامل سازنده و همچنین عدم تفاوت معنادار در دو شاخص حقوق اتباع خارجی و منطقه‌گرایی در بین دولت‌های پس از جنگ است.

واژگان کلیدی: جهان اسلام، سیاست خارجی، تعامل سازنده، منطقه‌گرایی، دوران پس از جنگ.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۱۹
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: smk.hejazi@gmail.com

۱. مقدمه

در کلیه نظام‌های سیاسی و حکومتی جهان، سیاست خارجی از اصولی کلی پیروی می‌کند که معمولاً در میان مدت و گاهی بلندمدت، تغییرات اساسی ندارد و تغییرات عمدتاً در سطح تاکتیک است. (دوئرتی و گراف، ۱۳۷۶: ۴۵-۳۶) اصول کلی سیاست خارجی هر کشور معمولاً در قانون اساسی که بالاترین سند سیاسی رسمی نظام است متبلور می‌شود. چهارچوب‌ها و کلیات و حدود و ثغور سیاست خارجی هر کشور نیز در همین سند مشخص و معین می‌شود. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۴) در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی، معتبرترین سند و غنی‌ترین منبع سیاست خارجی است. مطابق نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی، ولی‌فقیه که در رأس هرم حکومت قرار دارد، بالاترین مقام برای اخذ تصمیمات کلان در سیاست خارجی نظام است. حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران که عهده‌دار رهبری و هدایت مردم بودند پس از پیروزی انقلاب تمام تلاش خود را برای نوسازی دیپلماسی منطبق بر اصول و ارزش‌های اسلامی به‌عنوان یک نظام الگو در جهان اسلام به کار می‌بردند و در هر فرصتی به مسئولان و گردانندگان آن ضرورت انطباق تصمیمات در عرصه سیاست خارجی با موازین و معیارهای شرعی را گوشزد می‌نمودند و راهبردهای سیاست‌های خارجی بر این اساس بنیان‌گذاری کردند. پس از ارتحال امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ و انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان رهبری نظام اصول سیاست خارجی نظام تغییری نکرد، زیرا دیدگاه‌های ایشان علاوه بر پیروی از اندیشه‌های امام (ره) دارای همان شأن سیاست‌گذاری کلان برای نظام اسلامی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند. در دیدگاه رهبری سیاست خارجی از جمله مسائل درجه اول نظام محسوب می‌شود در مکتب سیاسی مقام معظم رهبری، خط درست دیپلماسی و سیاست خارجی، بستگی به حفظ جهت‌گیری اسلامی و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدات دشمنان و قدرت‌های بزرگ دارد؛ و برای انجام این مهم باید وفادارترین صمیمی‌ترین، خوش‌فکرترین، پرنگیزه‌ترین انسان‌ها در دستگاه دیپلماسی به کار گرفته شوند، تا بتوانند تهدیدها را به فرصت تبدیل و منافع ملی کشور را حراست کنند (۷۹/۶/۶) در طراحی و اجرای سیاست خارجی، اصول عزت، حکمت و مصلحت از جمله آموزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که همواره و در تمامی مقاطع مورد تأکید حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده است. مقام معظم رهبری در مقاطع گوناگون بر اصول عزت، حکمت و مصلحت تأکید فرموده‌اند. از این رو شعارهای محوری «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با الهام از انگاره‌ها و نظریات امام خمینی (ره) و بر اساس دین مبین اسلام، بسیاری از اصول و مبانی حاکم بر سیاست خارجی و روابط ایران را روشن می‌سازد. آنچه از این دو شعار به دست می‌آید در واقع شاکله سیاست خارجی ایران را ترسیم می‌کند؛ بنابراین، می‌توان، به صورت مدون، از نگاه امام (ره) و هم‌چنین، اصول

مربوطه در قانون اساسی نکات محوری سیاست خارجی را به شرح ذیل استخراج نمود؛ که عبارت‌اند از «استقلال، صدور انقلاب، احترام به حقوق متقابل، نفی ظلم، اصل نفی سبیل، روابط حسنه و مسالمت‌آمیز با دیگران، دفاع از کیان اسلام و مسلمین، کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش، سیاست نه شرقی نه غربی و گسترش روابط با جهان اسلام بنا بر مبانی اسلامی و انسانی را مدنظر داشت.»

بنابراین، در این مقاله برای بررسی سیاست خارجی کشور در سال‌های پس از جنگ فرضیات زیر بررسی شده است:

فرضیه ۱: رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ مبتنی بر حمایت از حقوق اتباع ایرانی بوده است.

فرضیه ۲: منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ بوده است.

فرضیه ۳: برقراری تعامل سازنده یکی از رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از جنگ بوده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱- تأثیر هنجارها و ارزش‌ها بر سیاست خارجی

سؤالات متفاوتی در ارتباط میان هنجارها و سیاست خارجی مطرح است از جمله: هنجارها چگونه رفتار سیاست خارجی را شکل می‌دهند؟ چگونه بازیگران با هنجارها ارتباط برقرار می‌کنند و به‌عنوان دستورالعمل‌ها برای رفتار درونی پذیرفته می‌شوند؟ شیوه عمل هنجارها در نظریه سازه‌انگاری سیاست خارجی اساساً متفاوت از تئوری‌های لیبرالیسم فایده‌گرا و نئورئالیسم‌هاست که تأثیر هنجارها را در پیوند با متغیرهای قدرت و منافع می‌داند. در سازه‌انگاری هنجارها مقدم بر منافع بازیگران هستند و تأثیر هنجارها تنها به فشارها و مشوق‌ها محدود نمی‌شود، بلکه علاوه بر تأثیر تنظیمی دارای تأثیر تکوینی نیز هستند، هنجارها همچنین باعث مشروعیت اهداف و تعریف منافع بازیگران می‌شود. (کارتشویل Koslowski Kratochwil, ۱۹۹۵: ۷۵-۷۸) در سازه‌انگاری تأثیر هنجارها به فرایندهای جامعه‌پذیری نسبت داده می‌شود. در اصل مفهوم جامعه‌شناسی، جامعه‌پذیری فرایندی است که یک شخص با آموزش هنجارهای اجتماعی، قواعد درون جامعه و فرهنگ دور و برش رشد می‌کند و مستقل و دارای صلاحیت اجتماعی می‌شود. در این پروسه بازیگر انتظارات از رفتار که توسط محیط اجتماعی‌اش به وی رسیده است، درونی می‌کند. روند جامعه‌پذیری نباید به‌عنوان روند یک‌طرفه‌ای تلقی شود که تصورات فرد در روند جامعه‌پذیری آن نقش ندارند. (ریتبرگر Rittberger, 2001: 168) فردی که اجتماعی می‌شود ممکن است روی چیزی که او در طول فرایند جامعه‌پذیری درونی کرده است، بازتاب دهد و حتی آن را اصلاح کند. اشخاص دائماً با شرایط جدید تصمیم‌گیری در

زندگی‌شان روبرو می‌شوند. از این رو نیاز به یادگرفتن انتظارات جدید از رفتار یا تفسیر دوباره از آن چیزهای که درونی کرده، است. جامعه‌پذیری یک فرایند پیوسته است و هیچ‌گاه کامل نمی‌شود. ویژگی عجیب فرایند جامعه‌پذیری تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی این است که دو فرایند جامعه‌پذیری در سطح بین‌الملل و داخلی به‌طور هم‌زمان در حال انجام شدن هستند و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی واسط و میانه دو سیستم اجتماعی (سیستم بین‌الملل و سیستم داخلی) هستند. به علت نیروهای متفاوت در دو سطح ما شاهد دو فرایند متفاوت جامعه‌پذیری هستیم. جامعه‌پذیری فراملی فرایندی است که بدین‌وسیله تصمیم‌گیرندگان حکومتی، هنجارهای بین‌المللی (انتظارات ارزش‌مدار از رفتار مناسب که بین دولت‌ها مشترک است) را درونی می‌کنند. جامعه‌پذیری ملی (درون جامعه داخلی) به فرایندی اطلاق می‌شود که تصمیم‌گیرندگان حکومتی هنجارهای اجتماعی را درونی می‌کنند (یعنی انتظارات ارزش‌مدار از رفتار مناسب که بین شهروندان دولتشان مشترک‌اند) نویسندگان جامعه‌پذیری فراملی تأکید بر این دارند که بر اثر جامعه‌پذیری بازیگران درون جامعه بین‌الملل، هنجارهای آن جامعه به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها مطرح می‌شوند. دولت‌ها واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه بین‌الملل هستند و مهم‌ترین نیروهای اجتماعی کردن هستند. به‌عبارت‌دیگر، هنجارهایی که بین دولت‌ها در جامعه بین‌الملل مشترک‌اند به‌عنوان استانداردهای از رفتار مناسب هستند. سازمان‌های بین‌الملل به‌عنوان نیروهای اجتماعی کردن از این جهت مهمند که اجتماعی ارزشی از دولت‌ها را به نمایش می‌گذارند. در صورتی انتظارات از رفتار مناسب به‌عنوان رفتار مناسب توسط سازمان‌های بین‌المللی قاعده‌مند می‌شود که دولت‌ها خودشان را به‌عنوان بخشی از اجتماع ارزشی از دولت‌های عضو بدانند و خودشان را به‌عنوان یک عضو برابر با دولت‌های دیگر بدانند، زیرا سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان نمایندگان اجتماعات ارزشی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند؛ بنابراین، کارکردشان تحت عنوان «معلمان هنجار» است. نوع دیگر جامعه‌پذیری در سطح درون‌ملی مطرح است درحالی‌که رهیافت‌های خردگرا بر اهمیت فشارهای عمومی در تأثیر هنجارهای اجتماعی روی رفتار تصمیم‌گیرندگان تأکید دارند. تأثیر هنجارها بر سیاست خارجی به فرایندهای جامعه‌پذیری نسبت داده می‌شود که در پی آن جامعه و زیرگروه‌هایش به‌عنوان نیروهای اجتماعی کردن، انتظارات از رفتار مناسب را به تصمیم‌گیرندگان سیاسی نشان می‌دهد. درخطر قرار گرفتن انتظارات ارزش‌مدار مشترک از رفتار بین دولت‌ها، نتیجه‌ای از فرایندهای ارتباطی و محتوای جامعه‌پذیری است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۲۶-۱۷)

در فرایندهای ارتباطی انتظارات ارزش‌مدار از رفتار درونی شده‌اند و محتوای جامعه‌پذیری در بلندمدت در تفسیر خاص و ویژه انتظارات از رفتار می‌تواند دچار تغییر شود. جامعه و زیرگروه‌هایش به‌عنوان نیروهای اجتماعی کردن در سطح داخلی انتظارات رفتار مناسب را به

تصمیم‌گیرندگان سیاسی نشان می‌دهند. از منظر سازه‌انگاری سه دلیل وجود دارد که چرا رفتار تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی متأثر از انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب و شایسته است:

۱. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی قبلاً انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب را از طریق فرایند جامعه‌پذیری سیاسی که همه شهروندان دولت موضوع آن هستند، درونی کرده‌اند.

۲. سیاستمداران قبل از اینکه نماینده دولتشان در جامعه بین‌الملل شوند، عموماً دوره‌های سیاسی ملی را تجربه می‌کنند که انتظارات اجتماعی خاص از رفتار مناسب را بیشتر در آن‌ها درونی می‌کند.

۳. تصمیم‌گیرندگان رفتار سازگاری با انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب دارند، زیرا این هم‌راستا با شیوه‌ای است که خودشان را به‌عنوان نماینده مشروع جامعه‌شان در برخورد با محیط بین‌الملل می‌شناسند.

اگر یک حکومت با انتظارات اجتماعی از رفتار به آن نشان داده‌شده موافقت نکند، خطر از دست دادن شناسایی‌اش توسط جامعه به‌عنوان نماینده مشروعش را دارد. (چیکل Checkel, ۱۹۹۸): ۵۹-۵۶) تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی هم‌زمان موضوعی برای فرایندهای جامعه‌پذیری ملی و فراملی هستند. در سطح فراملی انتظارات از رفتار مناسب به آن‌ها توسط جامعه بین‌الملل ارائه می‌شود. در سازه‌انگاری مسئله اساسی این نیست که آیا هنجارهای هدایت‌کننده رفتار ریشه‌های داخلی و بین‌المللی دارند، بلکه سازه‌انگاری اثر متقابل بین انتظارات از رفتار در نهادهای بین‌المللی و هنجارهای مشترک درون یک جامعه را نشان می‌دهد. یک هنجاری که بر سیاست خارجی یک کشور تأثیر می‌گذارد، باید در هر دو سطح اجتماعی و بین‌الملل مشترک باشد و انتظار سیاست خارجی سازگاری بالا با هنجارها را داشت. بدین ترتیب از منطری سازه‌انگارانه با توجه به هنجارهای داخلی و بین‌المللی می‌توان به تبیین و پیش‌بینی سیاست خارجی پرداخت. در صورتی که هنجارهای موجود در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی از تقارب و تناسب بیشتری برخوردار باشند، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری رفتار امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین بازیگران اجتماعی از هنجارهایی پیروی می‌کنند که در جریان فرایند جامعه‌پذیری در محیط اجتماعی مربوطه‌شان درونی شده باشند. در اینجا تفاوت اساسی بین لیبرال‌ها و سازه‌انگاری مطرح می‌شود که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها و سازه‌انگاری علاوه بر جنبه تنظیمی هنجار بر جنبه تکوینی آن نیز تأکید دارند. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۳۳)

۳. شاخصه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با فروپاشی رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌کلی متحول شد. در پیش گرفتن سیاست مهار انقلاب اسلامی و حتی تغییر حکومت در فضای جنگ سرد توسط ایالات متحده آمریکا و اهداف و اصول انقلابیون ایران باعث شد تا سیاست

خارجی ایران در این دوره ویژگی‌های خاصی به خود بگیرد. با گذر از جنگ هشت‌ساله و به قدرت رسیدن دولت سازندگی و سپس اصلاحات و دولت عدالت محور این شاخص‌ها تداوم پیدا کرد. با این حال، با گذر وضعیت جنگی و لزوم بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، فشارهای هژمونیک نظام بین‌الملل و لزوم اتخاذ یک سیاست خارجی واقع‌گرایانه، برخی شاخصه‌ها به مرور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اهمیت پیدا کردند که مهم‌ترین آن‌ها، حمایت از حقوق اتباع ایرانی، منطقه‌گرایی و تعامل سازنده هستند. به عبارت دقیق‌تر در کنار عناصر هویتی سیاست خارجی همچون استکبارستیزی و همگرایی اسلامی، شاخصه‌های مذکور به تدریج بخشی از سیاست خارجی ایران را شکل دادند. در این بخش از تحقیق، نویسنده تلاش می‌کند تا به بررسی این شاخص‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بپردازد.

۳-۱. حمایت از حقوق اتباع ایران

هرچند امروزه افراد ملت‌ها از تابعان اصلی حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، اما موضوع حقوق اشخاص و حمایت از اتباع داخلی توسط کشورها و دولت‌های متبوع آنان دارای ریشه بنیادین در اسناد اساسی بین‌المللی و معاهدات است و همین امر باعث ایجاد حق برای افراد در قبال دولت‌های متبوع خویش و نیز موجب ایجاد تکلیف برای دول جهان در حمایت از حقوق اتباع مربوطه در سطح دنیا شده است. با توجه به مسائل و مشکلات روی داده برای اتباع دولت‌ها در کشورهای مختلف و نیز با عنایت به تعدد دولت‌های حاکم در صحنه بین‌المللی و نبود یک مرجع کیفری بین‌المللی که صلاحیت و توانایی رسیدگی به تمامی جرائم بین‌المللی را داشته باشد، انتظار بر این است که دولت‌ها خود پیگیر حقوق اتباعشان باشند به‌ویژه با تحقق این موضوع در جمهوری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک الگو در جهان اسلام مبدل شود. این مسئله از سوی کشورها از دو بعد حقوقی و سیاسی قابل پیگیری و اقدام است.

از جنبه حقوقی می‌توان گفت، هنگامی که یک امر جزایی بعد بین‌المللی یا فراملی پیدا می‌کند، یعنی یک عامل خارجی در ارتکاب جرم و آثار حاصل از آن دخیل است، می‌باید از طریق قواعد حقوق جزای بین‌المللی (حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی) به حل آن پرداخت. این مسئله نیازمند همکاری دولت‌ها در تعقیب جنایات بین‌المللی است که در سایه اجرای عدالت حاصل خواهد شد. در ماده ۵ وظایف کنسولی عهدنامه وین ۱۹۶۳ مسائل مربوط به ارائه خدمات به اتباع و حمایت از مناسبات آنان به تفصیل طرح و در ۱۳ نوع احصا شده است که در صورت بروز شرایط ضمن رعایت قوانین و مقررات کشور محل تضييع حق، تمام تلاش برای احقاق آن حق یا برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق یا اعاده حق به هر شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی از اتباع مربوطه اقدام می‌شود و در مواقع بازداشت یا زندانی شدن تبعه اقدامات لازم برای حمایت قانونی از وی به عمل می‌آید همچنین در صورت وقوع سوانح یا ایجاد حادثه برای متوفی اقدامات لازم برای حفظ اموال و حمایت از صغار یا وابستگان منسوب

به تبعه متوفی انجام می‌گیرد. حمایت قانونی و قضایی از احوال شخصیه اتباع و توجه به رعایت حقوق و امنیت شغلی و اقامتی و سرمایه‌ای آنان از مواردی بوده که همواره مورد توجه دولت‌ها قرار داشته است. (بوجاری، ۱۳۹۲: ۱۲)

بررسی جرم‌ها در یک محکمه بین‌المللی عموماً راجع به جرم‌هایی است که در سطحی وسیع علیه بشریت صورت می‌گیرد حال اینکه قوانین و دادگاه‌های کدام کشور - کشور محل وقوع جرم یا کشوری که علیه تبعه آن جرمی رخ داده - در مورد رسیدگی به جرم صالحند، تابع اصول صلاحیتی هستند. اصول صلاحیتی شامل اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت (شخصی)، اصل صلاحیت حمایتی و اصل صلاحیت جهانی می‌شود. رسیدگی به جرائم با بعد بین‌المللی در مراجع قضایی کیفری ملی بی‌تردید بارزترین جلوه حاکمیت یک کشور محسوب می‌شود. دولتی که جرم در سرزمین آن واقع شده است، برای تعقیب کیفری جرم ارتكابی و مرتکب آن صالح است (اصل صلاحیت سرزمینی). سایر اصول (اصل صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت حمایتی، اصل صلاحیت جهانی)، به نوعی مکمل این اصل محسوب می‌شوند؛ بنابراین، در مواردی که دولت محل وقوع جرم، تمایل، نفع یا توان محاکمه و مجازات مرتکب جرم را ندارد، سایر اصول نقش تکمیلی را ایفا می‌کنند. در چنین شرایطی که دولت محل وقوع جرم به هر دلیلی تمایلی برای پیگیری جنایت ندارد، برای حمایت از بزه دیده، اخیراً جنبه دیگری از صلاحیت مبتنی بر تابعیت نیز ظهور پیدا کرده و توسط بیشتر دولت‌ها در قوانین داخلی و همچنین اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است. (بوجاری، ۱۳۹۲: ۸۵)

بعد دوم مسئله به اقدامات سیاسی منوط می‌شود. پیگیری‌های دیپلماتیک از طریق سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و همچنین ارجاع پرونده به مجامع حقوق بشری بین‌المللی از جمله این اقدامات می‌تواند باشد. کشورهای غربی در برخورد با حقوق بشر بر اساس معیار دوگانه و در راستای منافع ملی خود گام برمی‌دارند. در جایی که منافع ملی آن‌ها ایجاب می‌کند بر کوس حقوق بشر می‌زنند و ندای حقوق بشرطلبی سر می‌دهند، اما آنجا که بشردوستی منافع ملی آن‌ها را به مخاطره اندازد یا در راستای اغراض سیاسی آن‌ها نباشد، آن را نادیده گرفته و به راحتی از کنار آن می‌گذرند. از منظر سیاسی اساساً نظریه مدونی در خصوص حمایت از حقوق اتباع ایرانی خارج از کشور وجود ندارد، اما در طی مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان حوزه سیاست خارجی مشخص شد که این مؤلفه جایگاه مهمی در سیاست خارجی دولت‌های مختلف داشته است. تعداد زیاد این افراد که دارای توانمندی‌های فکری، انسانی و اقتصادی بالایی دارند و ضرورت استفاده از ظرفیت‌های مذکور، در سیاست خارجی باعث شد تا خبرگان مذکور به این مؤلفه بپردازند.

۳-۲. منطقه‌گرایی

در تبیین علل و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. یکی از نظریه‌هایی که به این موضوع می‌پردازد، همگرایی منطقه‌ای است. همگرایی منطقه‌ای فرایندی است که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مستقل و جدا از هم در یک منطقه به‌طور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار و اعمال آن برای دستیابی به اهداف و مشترکاتشان صرف‌نظر و از یک قدرت فوق ملی تبعیت می‌کنند. (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲) خاورمیانه منطقه‌ای است در محدوده جنوب غرب آسیا و شمال شرقی آفریقا که حوزه وسیعی از جهان اسلام در آن زندگی می‌کنند. این منطقه پلی بین اروپا، آسیا و آفریقا توصیف شده است تعریفی دیگر خاورمیانه را، شرق میانه یا شرق وسطی، اوسط (نام برده شده، که ناحیه‌ای است در جنوب غربی آسیا و شمال خاوری آفریقا که شامل کشورهای آسیای غربی، شبه‌جزیره عربستان، مصر و سودان است. پاره‌ای از منابع کشورهای افغانستان و پاکستان را نیز جزء آن محسوب می‌دارند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۳)

ترکیب سه رویکرد فرهنگی-تاریخی، توسعه‌ای-ژئوپلیتیک و امنیتی سیاسی و عملیاتی کردن آن‌ها در سیاست خارجی با هدف افزایش نقش منطقه‌ای ایران به‌ویژه در جهان اسلام، منطق تمرکز منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران را تقویت می‌کند. سه مؤلفه تأثیرگذار قدرت ملی در مورد تقویت منطقه‌گرایی در راهبرد سیاست خارجی ایران حائز اهمیت است:

الف) دولت ملی قوی

ایران بخش مهمی از تمدن خاورمیانه است که آن را به تمدن جهانی وصل می‌کند. سابقه حضور تاریخی-فرهنگی ایران در منطقه بی‌نظیر است. یکپارچگی ارضی، مستقل بودن و تلاش دائم برای پیشرفت و توسعه بخشی از ویژگی‌های مهم دولت ایرانی است. بر همین اساس ایران هم توانسته همواره استقلال خود را حفظ کند و هم با ملت‌ها و دولت‌های منطقه ارتباطات تاریخی و فرهنگی خود را حفظ کند.

ب) هویت ژئوپلیتیک

منظور از هویت ژئوپلیتیک این است که ایران به کدام یک از زیرسیستم‌های منطقه‌ای در خاورمیانه تعلق دارد. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران در حوزه‌های گوناگون، ایران را در زیرسیستم‌های مختلف هویتی-سیاسی قرار می‌دهد و از این نظر نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است. هرکدام از این زیرسیستم‌ها به نوعی پارادایم‌هایی را از لحاظ سیاسی-امنیتی و توسعه در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار می‌دهد.

ج) ایدئولوژی شیعی و قدرت ملی

مؤلفه شیعی می‌تواند به‌عنوان یک مؤلفه قدرت ملی ایران در چهارچوب تقویت منطقه‌گرایی مورد استفاده قرار گیرد. البته زمانی که بتوان از این مؤلفه در خدمت منافع ملی کشور بهره گرفت نه فقط برای اهداف کوتاه‌مدت و گذرا و در شرایط ناامنی در منطقه، بلکه برای تقویت این مؤلفه در سطح روابط دولت‌ها در منطقه که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این طریق، ضمن تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی-امنیتی و افزایش نقش منطقه‌ای در روابط با امریکا نیز از قدرت بازیگری برخوردار باشد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۰)

۳-۳. تعامل سازنده

برقراری ارتباط تأثیرگذار و همکاری اثربخش میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها به‌ویژه در جهان اسلام با در نظر گرفتن منافع ملی و رعایت الزامات معطوف به امنیت ملی و توسعه همه‌جانبه.

برخی خبرگان حوزه سیاست خارجی معتقدند کشور باید به‌گونه‌ای سامان یابد که در کنار تعامل سازنده با نظام بین‌الملل در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین در سطح سازمان‌های بین‌الملل بتواند منابع، امکانات، فرصت‌ها و ثبات محیط خارجی کشور را برای فرایند توسعه اقتصادی بسیج و تجهیز کند. (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۸)

بر این اساس برخی سیاست‌های محوری تعامل سازنده و مؤثر ایران در نظام بین‌الملل به شرح زیرند:

- رویکرد توسعه محور، اقناع ساز و مجموعه‌ساز: منظور از این مؤلفه این است که کشورها به تنهایی نمی‌توانند موفقیت چشمگیری در سیاست خارجی به دست آورند؛ بنابراین، آنچه اهمیت دارد توانایی کشورها در همراه کردن دیگران با خود و مجموعه‌سازی است. این امر به معنی اتخاذ رویکرد تعاملی و پیروی از سیاست موازنه مثبت یا متوازن با در نظر گرفتن تجارب تاریخی و شرایط ژئوپلیتیکی است.

- خلق متحد یا متحدان استراتژیک: وقتی از متحد استراتژیک سخن به میان می‌آید منظور انطباق منافع حیاتی دو بازیگر با یکدیگر یا نزدیک شدن منافع حیاتی دو بازیگر در موضوعی خاص است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در دو یا سه منطقه به دنبال متحد استراتژیک باشد. یکی حوزه کشورهای اسلامی است و دیگری روسیه است که به دنبال احیای امپراتوری شوروی سابق است.

- توجه به هنجارهای بین‌المللی: توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی در جهان جدید باید به‌عنوان یک راهنما در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار گیرد. البته توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی به معنای تسلیم شدن در برابر آن‌ها نیست، بلکه مبتنی بر ارزش‌گذاری است.

- به‌کاربردن بهینه زبان و ادبیات سیاست بین‌الملل یا دیپلماتیک
- پرهیز از رویکرد تقابلی و مخاصمه آمیز
- استراتژی همزیستی مسالمت‌آمیز: یعنی اتخاذ سیاست واقع‌گرایانه مبتنی بر مفاهیم و احترام متقابل. به‌عبارت‌دیگر در عین حفظ هویت اسلامی و انقلابی خود می‌توان پیگیر منافع ملی و به رسمیت شناختن حقوق و منافع دیگر کشورها بود و با پرهیز از مطلق‌گرایی و یک‌سویه‌اندیشی تلاش کرد با پذیرش پلورالیسم بین‌المللی در سیاست خارجی به جای الگوی کشمکش و تعارض در قالب همکاری و همزیستی مبتنی بر صلح و تفاهم با دیگر کشورها روابط خود را تقویت کند. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۲) و عملاً به‌عنوان یک پشتوانه قوی برای حمایت از مسلمانان و یک الگو در جهان اسلام باشد.

۴. روش‌شناسی

روش تحقیق این مقاله بر مبنای هدف کاربردی با توجه به زمان، از نوع مقطعی و از نظر نوع داده، کمی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی است. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از دو طریق مصاحبه و پرسشنامه به صورت میدانی استفاده شده است و اطلاعات گردآوری‌شده، توصیف، تبیین و آزمون‌های لازم انجام پذیرفته است. این داده‌ها از دل جامعه و نمونه آماری که همان خبرگان و متخصصان حوزه سیاست خارجی هستند گردآوری شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها با در نظر گرفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های پس از انقلاب با رویکرد سازه‌انگاری که مبتنی بر دو بعد مادی و غیرمادی هویتی است شاخص‌های تحقیق نوشته‌شده و با این خبرگان در میان گذاشته شد. تعداد این متخصصان سیاست خارجی ۳۰ نفر هستند که بعد از سه بار، شاخص‌های مذکور را تأیید کردند. بر اساس این شاخص‌ها، سؤالات نوشته‌شده و به‌عنوان پرسشنامه در اختیار این خبرگان قرار داده شد تا روایی و پایایی آن محاسبه شود. سپس بر روی جامعه بزرگ‌تر اعمال شد. برای نمونه‌گیری هم از روش نمونه‌گیری هدفمند برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این روش نمونه‌گیری، همه مواردی که با معیار معینی سازگاری داشته‌اند انتخاب شدند. گاهی اوقات ممکن است پژوهش‌ایجاب کند که اطلاعاتی از افراد و گروه‌های خاصی به دست آورده شود، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر پژوهشگر هستند، زیرا آن‌ها تنها افرادی هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا برخی از معیارهایی که پژوهشگر تدوین کرده مطابقت دارند. (دلور، ۱۳۹۳: ۱۳۲) در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از نمونه‌ها هم از روش‌های آمار توصیفی و هم از روش‌های آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش استنباطی با به‌کارگیری آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف؛ تحلیل واریانس، تعقیبی بونفرنی و تی با استفاده از نرم‌افزار SPSS، آنالیزها انجام شده است.

۵. یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

سه جدول زیر بیانگر شاخصه‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش است:

جدول ۱. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر حمایت از حقوق اتباع ایرانی

دولت	میانگین	انحراف معیار
پنجم و ششم	۳/۵۳	۰/۸۵
هفتم و هشتم	۳/۶۴	۰/۹۳
نهم و دهم	۳/۶۱	۰/۸۸

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر منطقه‌گرایی

دولت	میانگین	انحراف معیار
پنجم و ششم	۳/۳۴	۰/۶۲
هفتم و هشتم	۳/۳۴	۰/۶۶
نهم و دهم	۳/۳۶	۰/۵۸

جدول ۳. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر تعامل سازنده

دولت	میانگین	انحراف معیار
پنجم و ششم	۲/۹۳	۰/۵۶
هفتم و هشتم	۳/۲۷	۰/۵۷
نهم و دهم	۲/۵۸	۰/۶۵

بررسی مفروضه‌های مورد نیاز آزمون‌های آماری

در تجزیه و تحلیل استنباطی و استخراج نتایج پژوهش از روش‌های آماری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر و تی تک نمونه‌ای استفاده شد. برای بررسی طبیعی بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج مربوط به آزمون‌ها به اختصار در جداول ۴ تا ۶ نشان داده شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون‌های k-S مربوط به توزیع متغیر حمایت از حقوق اتباع ایرانی به تفکیک دولت‌ها

دولت	آماره	معناداری
پنجم و ششم	۰/۱۱	۰/۱۰
هفتم و هشتم	۰/۱۶	۰/۲۰
نهم و دهم	۰/۱۶	۰/۲۰

جدول ۵. نتایج آزمون‌های k-S مربوط به توزیع متغیر منطقه‌گرایی به تفکیک دولت‌ها

دولت	آماره	معناداری
پنجم و ششم	۰/۱۱	۰/۱۳
هفتم و هشتم	۰/۱۶	۰/۱۰
نهم و دهم	۰/۰۸	۰/۲۵

جدول ۶. نتایج آزمون‌های k-S مربوط به توزیع متغیر تعامل سازنده به تفکیک دولت‌ها

دولت	آماره	معناداری
پنجم و ششم	۰/۱۴	۰/۱۵
هفتم و هشتم	۰/۰۸	۰/۲۵
نهم و دهم	۰/۱۶	۰/۱۰

با توجه به جداول ۴ تا ۶، مشاهده می‌شود که سطح معناداری همه آزمون‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرض صفر آزمون‌ها (نرمال بودن توزیع) رد نشده و هیچ‌یک از آزمون‌های K-S معنادار نیست و بنابراین، در تمامی آزمون‌ها، داده‌ها دارای توزیع طبیعی هستند و بدین ترتیب شرط نرمال بودن توزیع داده‌ها برای استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک مورد تأیید قرار گرفت.

در این تحقیق سه شاخص حمایت از حقوق اتباع ایرانی؛ منطقه‌گرایی و تعامل سازنده با دنیا در قالب ۱۶ سؤال برای سه دولت پنجم و ششم؛ هفتم و هشتم؛ نهم و دهم بررسی و نتایج زیر حاصل شد:

جدول ۷. مقایسه سه دولت از منظر سه شاخص این تحقیق با استفاده از آمار توصیفی

ردیف	متغیر	میانگین نظرات برای دولت پنجم و ششم (الف)	میانگین نظرات برای دولت هفتم و هشتم (ب)	میانگین نظرات برای دولت نهم و دهم (ج)	توضیحات
۱	حمایت از حقوق اتباع ایرانی	۳/۵۳	۳/۶۴	۳/۶۱	تفاوت معناداری بین دولت‌های الف و ب و ج از نظر این شاخص وجود ندارد.
۲	منطقه‌گرایی	۳/۲۴	۳/۳۴	۳/۲۶	تفاوت معناداری بین دولت‌های الف و ب و ج از نظر این شاخص وجود ندارد.
۳	تعامل سازنده	۲/۹۳	۳/۲۷	۲/۵۸	دولت ب از منظر تعامل سازنده وضعیت مطلوب‌تری نسبت به دولت‌های الف و ج داشته است.

نتایج آمار فرضیات را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

فرضیه اول

فرضیه الف) رویکرد حمایت از حقوق اتباع ایرانی دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۸ بیانگر نتایج آزمون موخلی است:

جدول ۸) نتایج آزمون موخلی برای بررسی ماتریس واریانس کوواریانس مربوط به فرضیه چهارم

آماره موخلی	مجذور کای	درجات آزادی	سطح معناداری
۰/۸۶	۴/۶۰	۲	۰/۱۰

جدول ۹ بیانگر نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای بررسی فرضیه مورد نظر است. با توجه به عدم معناداری آزمون موخلی ($p=0/10$)، از سطر اول آزمون تحلیل واریانس درون‌گروهی (Sphericity Assumed) استفاده شد:

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به اختلاف دولت‌ها در حمایت از حقوق اتباع

ایرانی

آماره منبع واریانس	مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	معناداری	مجذور ایتا
گروه	۰/۲۲	۲	۰/۱۱	۰/۹۴	۰/۴۰	۰/۰۳
خطا	۷/۴۰	۶۲	۰/۱۲	-	-	-

با توجه به جدول ۹ نتیجه گرفته شد که آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به متغیر حمایت از حقوق اتباع ایرانی معنادار نیست ($p=0/40$) و بنابراین، رویکرد حمایت از حقوق اتباع ایرانی دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت نیست.

فرضیه ب) رویکرد حمایت از حقوق اتباع ایرانی دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۱۰ بیانگر نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی فرضیه فوق است:

جدول ۱۰. نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی رویکرد حمایت از حقوق اتباع ایرانی دولت‌های پس از

جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۳/۵۳	۳	۳/۵۳	۳۱	**/۰۰۱
هفتم و هشتم	۳/۶۴	۳	۳/۹۲	۳۱	**/۰۰۰۱
نهم و دهم	۳/۶۱	۳	۳/۹۷	۳۱	**/۰۰۰۱

با توجه به جدول ۱۰ مشاهده می‌شود که در مورد هر سه دولت پس از جنگ، مقدار آماره‌های t مربوط به متغیر حمایت از حقوق اتباع ایرانی از t جدول بزرگ‌تر و سطح معناداری از مقدار خطا (۵٪) کوچک‌تر شده است؛ بنابراین، فرض صفر (برابری میانگین جامعه‌های مورد بررسی و مقدار مرجع) رد شده و فرض مخالف (متفاوت بودن میانگین‌ها) تأیید شده است و با توجه به بالاتر بودن میانگین حمایت از حقوق اتباع ایرانی سه دولت مذکور پس از جنگ از میانگین مرجع (۳) نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد حمایت از حقوق اتباع ایرانی دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

فرضیه دوم

فرضیه الف) رویکرد منطقه‌گرایی دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت است.
جدول ۱۱ بیانگر نتایج آزمون موخلی است:

جدول ۱۱. نتایج آزمون موخلی برای بررسی ماتریس واریانس کوواریانس مربوط به فرضیه پنجم

آماره موخلی	مجذور کای	درجات آزادی	سطح معناداری
۰/۹۵	۱/۴۳	۲	۰/۴۹

جدول ۱۲ بیانگر نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای بررسی فرضیه مورد نظر است. با توجه به عدم معناداری آزمون موخلی ($p=0/49$)، از سطر اول آزمون تحلیل واریانس درون‌گروهی (Sphericity Assumed) استفاده شد:

جدول ۱۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به اختلاف دولت‌ها در منطقه‌گرایی

آماره	مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	معناداری	مجذور ای تا
منبع واریانس گروه	۰/۱۱	۲	۰/۰۰۵	۰/۰۷	۰/۹۳	۰/۰۰۲
خطا	۴/۵۵	۶۲	۰/۰۷	-	-	-

با توجه به جدول ۱۲ نتیجه گرفته شد که آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به متغیر منطقه‌گرایی معنادار نیست ($p=0/93$) و بنابراین، رویکرد منطقه‌گرایی دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت نیست.

فرضیه ب) رویکرد منطقه‌گرایی دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۱۳ بیانگر نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی فرضیه فوق است:

جدول ۱۳. نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی رویکرد منطقه‌گرایی دولت‌های پس از جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۳/۳۴	۳	۳/۱۲	۳۱	**/.۰۰۴
هفتم و هشتم	۳/۳۴	۳	۲/۹۱	۳۱	**/.۰۰۷
نهم و دهم	۳/۳۶	۳	۳/۵۶	۳۱	**/.۰۰۱

با توجه به جدول ۱۳ مشاهده می‌شود که در مورد هر سه دولت پس از جنگ، مقدار آماره‌های t مربوط به متغیر منطقه‌گرایی از t جدول بزرگ‌تر و سطح معناداری از مقدار خطا (۵٪) کوچک‌تر شده است؛ بنابراین، فرض صفر (برابری میانگین جامعه‌های مورد بررسی و مقدار مرجع) رد شده و فرض مخالف (متفاوت بودن میانگین‌ها) تأیید شده است و با توجه به بالاتر بودن میانگین منطقه‌گرایی سه دولت مذکور پس از جنگ از میانگین مرجع (۳) نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد منطقه‌گرایی دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

فرضیه سوم

فرضیه الف) رویکرد تعامل سازنده دولت‌های پس از جنگ با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۱۴ بیانگر نتایج آزمون موخلی است:

جدول ۱۴. نتایج آزمون موخلی برای بررسی ماتریس واریانس کوواریانس مربوط به فرضیه

ششم

آماره موخلی	مجذور کای	درجات آزادی	سطح معناداری
۰/۸۲	۵/۸۳	۲	۰/۰۵۴

جدول ۱۵ بیانگر نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای بررسی فرضیه مورد نظر است. با توجه به عدم معناداری آزمون موخلی ($p=۰/۰۵۴$)، از سطر اول آزمون تحلیل واریانس درون‌گروهی (Sphericity Assumed) استفاده شد:

جدول ۱۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به اختلاف دولت‌ها در تعامل سازنده

آماره	مجموع	درجات	میانگین	مقدار F	معناداری	مجذور ایتا
منبع واریانس	مربعات	آزادی	مربعات			
گروه	۷/۵۶	۲	۳/۷۸	۱۳/۳۵	***/.۰۰۰۱	۰/۳۰
خطا	۱۷/۵۶	۶۲	۰/۲۸	-	-	-

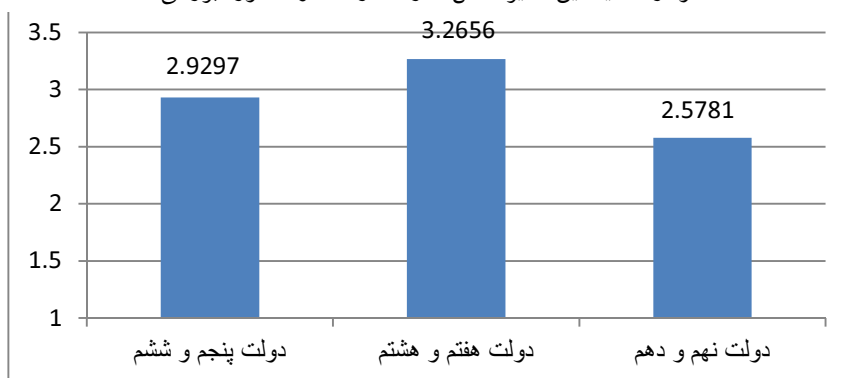
با توجه به جدول ۱۵ نتیجه گرفته شد که آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مربوط به متغیر تعامل سازنده معنادار است ($p=0/0001$) و بنابراین، بین حداقل دو دولت از سه دولت اختلاف معناداری وجود دارد.

برای مقایسه دوبه‌دوی میانگین‌های مراحل آزمون از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۶ نشان داده شده است. همچنین نمودار ۱ بیانگر میانگین‌های تعامل سازنده دولت‌های مورد بررسی است:

جدول ۱۶. نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه جفتی سه دولت در متغیر تعامل سازنده

سطح معناداری	خطای استاندارد	مراحل آزمون	
0/078	0/14	دولت هفتم و هشتم	دولت پنجم و ششم
**0/005	0/10	دولت نهم و دهم	
**0/0001	0/15	دولت نهم و دهم	دولت هفتم و هشتم

نمودار ۱. میانگین متغیر تعامل سازنده در سه دولت مورد بررسی



با توجه به جدول ۱۶ مشاهده می‌شود که میانگین تعامل سازنده دولت‌های پنجم و ششم ($p=0/005$) و همچنین هفتم و هشتم ($p=0/0001$) در مقایسه با دولت نهم و دهم به‌طور معناداری بیشتر است و بین دو دولت پنجم، ششم و دولت هفتم، هشتم اختلاف معناداری در متغیر تعامل سازنده وجود نداشت ($p=0/078$).

فرضیه ب): رویکرد تعامل سازنده دولت‌های پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است.

جدول ۱۷ بیانگر نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی فرضیه فوق است:

جدول ۱۷. نتایج آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای برای بررسی رویکرد تعامل سازنده دولت‌های پس از جنگ

دولت	میانگین نمونه	مقدار مرجع	مقدار t	درجات آزادی	سطح معناداری
پنجم و ششم	۲/۹۳	۳	۰/۷۰	۳۱	۰/۴۹
هفتم و هشتم	۳/۲۷	۳	۲/۶۳	۳۱	* / ۰/۱۳
نهم و دهم	۲/۵۸	۳	۳/۶۹	۳۱	** / ۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۱۷ مشاهده می‌شود که در مورد دولت هفتم و هشتم و دولت نهم و دهم مقدار آماره‌های t مربوط به متغیر تعامل سازنده از t جدول بزرگ‌تر و سطح معناداری از مقدار خطا (۵٪) کوچک‌تر شده است؛ بنابراین، فرض صفر (برابری میانگین جامعه‌های مورد بررسی و مقدار مرجع) رد شده و فرض مخالف (متفاوت بودن میانگین‌ها) تأیید شده است. با توجه به بالاتر بودن میانگین تعامل سازنده دولت هفتم و هشتم پس از جنگ از میانگین مرجع (۳) نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد تعامل سازنده دولت هفتم و هشتم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی داشته است. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تعامل سازنده دولت نهم و دهم پس از جنگ از میانگین مرجع (۳) نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد تعامل سازنده دولت نهم و دهم پس از جنگ، با اصول و ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسویی نداشته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از مجموع مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب تحت تأثیر اصول و ارزش‌های مختلفی بوده است. اگرچه اصولی همچون استکبارستیزی و همگرایی اسلامی همواره بخشی از مبانی هویتی سیاست خارجی ایران بوده، اما در عین حال پس از برطرف شدن خطر جنگ و لزوم بازسازی خرابی‌های ناشی از آن به تدریج مؤلفه‌های دیگری در سیاست خارجی ایران نمود پیدا کردند که مهم‌ترین آن‌ها تعامل سازنده، منطقه‌گرایی و حمایت از حقوق اتباع ایران بوده‌اند. بر این اساس این مقاله با هدف بررسی جایگاه این شاخص‌ها انجام گرفته است. برای بررسی سنجش این امر، مقاله حاضر از روش پیمایش استفاده کرده است و از بررسی‌های صرف توصیفی خارج شده است. بدین منظور، از میان خبرگان و متخصصان حوزه سیاست خارجی، ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند تا جایگاه این مؤلفه‌ها در میان دولت‌های پس از دفاع مقدس مورد مقایسه قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان داد که:

دولت‌های پس از جنگ در سه شاخص فوق به ترتیب در شاخص حمایت از حقوق اتباع ایرانی؛ منطقه‌گرایی و تعامل سازنده موفق‌تر عمل کرده است. از منظر دو شاخص حمایت از حقوق اتباع ایرانی و منطقه‌گرایی تفاوت معناداری بین سه دولت پنجم و ششم؛ هفتم و هشتم؛ و نهم و دهم وجود ندارد. از منظر تعامل سازنده با سایر کشورها به‌ویژه در ارتباط با جهان اسلام، دولت هفتم و هشتم وضعیت مطلوب‌تر نسبت به دو دولت دیگر دارد. با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای اجرایی زیر برای سازمان‌ها و مدیران دستگاه سیاست خارجی ارائه می‌شود:

- جمهوری اسلامی، برای دستیابی به اهداف و آماج‌های مستمر در محیط متحول، باید روش‌ها و شیوه‌های خود را تعدیل کرده و با شرایط جدید تطبیق دهد. البته ثبات در سیاست خارجی به معنای تغییرناپذیری و ایستایی نیست، بلکه منظور عدم تغییرات فوری و فاحش در قالب تحول تدریجی و جزئی است که در درازمدت ممکن است تغییرات اساسی را موجب شود.
- تقویت، توسعه، تجهیز و استفاده فراگیر از امکانات اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و قضایی برای بررسی و تحلیل سیاست دولت‌های اسلامی و بررسی نحوه تصمیم‌گیری و نیز میزان توان و اختیارات تصمیم‌گیری برای تعیین راهبرد سیاست خارجی ضروری به نظر می‌رسد.
- سازمان‌های متولی سیاست خارجی می‌توانند با برگزاری همایش‌ها و جلسات رایگان موضوع سیاست خارجی دولت‌های گوناگون را مورد بررسی قرار دهند. برای این منظور می‌توان از ظرفیت رسانه ملی نیز استفاده نمود.
- از دیگر پیشنهادها به سازمان‌های متولی استفاده از علما و خبرگان در حوزه مرتبط با تحقیق برای ارتقا سطح دانش و فرهنگ فهم جهان اسلام در سیاست خارجی است.

کتاب‌نامه الف- کتاب

۱. احتشامی، انوشیروان، ۱۳۷۸، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۵، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. دلاور، علی، ۱۳۹۳، مبانی نظری و عملی پژوهش، تهران: رشد.
۴. دوئرتی، جیمز؛ فالتز گراف رابرت، ۱۳۷۶، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: نشر قومس.
۵. سریع‌القلم، محمود، ۱۳۷۹، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

۶. سیف زاده، سید حسین، ۱۳۸۴، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: نشر دادگستر، میزان، چاپ اول.

۷. واعظی، محمود، ۱۳۸۷، راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گراف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ب- مقالات

۸. ایزدی، جهانبخش؛ خلفی، فرزاد، (۱۳۹۰)، «راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل (بر پایه سند چشم‌انداز)»، فصلنامه ره‌نمای سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، شماره صفحات ۴۳-۶۸.

۹. برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی»، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سال دوم، شماره پنجم، صص ۲۳-۴۰.

۱۰. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌های نظری در مطالعات منطقه‌ای»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۳، شماره صفحات ۲۳۱-۲۲۲.

ج- اینترنتی

۱۱. بوجاری، مسعود، (۱۳۹۶/۲/۱۵)، «تکالیف دولت‌ها در حمایت از حقوق اتباع»:
<https://pjorm.mashhad.ir/articles/1639244->

د- مصاحبه‌ها

توضیح (مصاحبه‌ها توسط پژوهشگران این مقاله انجام شده و در جایی منتشر نشده است و مربوط به این پژوهش است به همین دلیل آدرس مصاحبه‌ها بصورت ذیل آمده است)

۱۲. مصاحبه با دکتر علی اکبر ولایتی (وزیر امور خارجه اسبق) مورخ: ۱۳۹۵/۸/۸

۱۳. مصاحبه با دکتر کمال خرازی (وزیر امور خارجه اسبق) مورخ: ۱۰/۲ و ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

۱۴. مصاحبه با دکتر منوچهر متکی (وزیر امور خارجه اسبق) مورخ: ۱۱/۱۴ و ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

۱۵. مصاحبه با دکتر علی اکبر صالحی (وزیر امور خارجه اسبق) مورخ ۱/۱۶ و ۱۳۹۵/۱/۲۳

د- انگلیسی

16. Rey Koslowski and Friedrich Kratochwil, (1995), "Understanding Change in International Politics: The Soviet Empire's Demise and the International System", in Richard Ned Lebow and Thomas Risse-Kappen, (eds.), *International Relations Theory and the End of the Cold War* (New York: Columbia University Press: 127-66.

17. Volker Rittberger, (2001). *German Foreign Policy Since unification theories and case studies*, London: Manchester university.